نگاه تحلیلی دانش نفت به عواقب و پیامد های یک الحاق غیر کارشناسی؛

الحاق صندوق بازنشستگی نفت به وزارت رفاه با کدام توجیه؟

حمیدرضا شکوهی

دانش نفت: تحقیقات روانشناسی اثبات کرده که احساس آرامش و امنیت، از خود آرامش و امنیت مهمتر است. به همین دلیل در دنیای مدرن امروز، مدیران و تصمیم گیران همواره تلاش می کنند این احساس را در وجود کارکنان مجموعه خود تقویت کنند تا زمینه ساز رشد و بالندگی هرچه بیشتر آن را فراهم سازند. چرا که بدون آرامش ذهنی، بازدهی کار افراد کاهش می‌یابد و زیانهای فراوانی را از نظر راندمان کاری در پی خواهد داشت. طبیعتاً صنعت نفت ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

هرچند که اهمیت استراتژیک این صنعت موجب شده مدیران عالی صنعت نفت، نسبت به سایر حوزه ها تلاش بیشتری برای ایجاد آرامش و امنیت فکری شغلی و مالی در بین کلیه کارکنان این صنعت تأثیرگذار در اقتصاد کشور انجام دهند تا چرخ نفت با آرامش بیشتر و اصطکاک کمتری به گردش درآید. اما گاه شاهد اتخاذ تصمیماتی هستیم که از خارج از صنعت نفت بر آن تحمیل می شود و نخستین حاصل آن، کم رنگ شدن این آرامش فکری است و پیامدهای بعدی آن در قالب کاهش راندمان کاری در این صنعت استراتژیک تبلور می یابد، صنعتی که علیرغم سردادن شعارها و وعده های فراوان مبنی بر ضرورت رهایی اقتصادی کشور از اتکای به نفت، همچنان بیش از نیمی از بودجه سالیانه کشور را تأمین می کند و نقش آن در اقتصاد کشور روز به روز پررنگ تر می شود، کما اینکه اتکای بودجه سال ۸۹ به نفت از بودجه امسال نیز بیشتر شده و این نشان از نقش بی بدیل و تأثیر غیر قابل انکار نفت نه فقط بر اقتصاد کشور بلکه بر کلیه شؤون تصمیم گیری کشور دارد اینچنین است که بروز هرگونه خللی در روال عادی و جاری صنعت نفت تأثیرات زیانباری- آنگونه که ذکر شد- خواهد داشت. تصمیمی که در مورد واگذاری مدیریت صندوقهای بازنشستگی کارکنان صنعت نفت از وزیر نفت و هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران به وزیر رفاه و سازمان تامین اجتماعی در مجلس اتخاذ شده و فوریت آن به تصویب رسیده از جمله اقداماتی است که روال عادی و جاری صنعت نفت را دچار اختلال خواهد کرد و تاکنون بازتابهای منفی فراوانی در بین کلیه کارکنان و بازنشستگان صنعت نفت داشته است.

هرچند هنوز طرح اصلاح ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و چگونگی تعیین مدیریت سازمان تأمین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی و بیمه های درمانی به تصویب نهایی نرسیده و صرفاً فوریت آن تصویب شده اما روند امور به گونه ای است که احتمال تصویب نهایی آن را افزایش می دهد، چرا که در صورتی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی با این طرح مخالف بودند به فوریت آن رأی مثبت نمی دادند. بدین ترتیب در صورت تصویب نهایی این طرح، هرگونه تغییر در صندوقهای بازنشستگی صنعت نفت نه توسط شرکت ملی نفت ایران، بلکه با پیشنهاد هیأت امنای سازمان تأمین اجتماعی و تصویب وزارت رفاه صورت خواهد گرفت. مروری بر خاستگاه ایجاد چنین تفکری که پیامد آن منفک شدن صندوق بازنشستگی نفت از این مجموعه است زوایای دیگری از این ماجرا را روشن خواهد ساخت. ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری اگرچه از سال ۱۳۸۳ مطرح بوده و طی سالهای اخیر بارها بحث آن مطرح شده اما اوایل سال جاری زمزمه های منفک شدن نفت از این قانون به دلیل شرایط خاص و متفاوت نفت نسبت به حوزه های دیگر، تقویت شد؛ به طوریکه مهندس نوذری وزیر سابق نفت در بهار سال جاری از گفت و گوی خود با دکتر محمود احمدی نژاد در هواپیما هنگام سفر به ژنو سوئیس برای شرکت در اجلاس دوربان ۲ در این زمینه خبر داد که حاصل آن لغو مصوبه شورای عالی اداری در این زمینه بود. اما چه شد که طرح اصلاح ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری در دستور کار نمایندگان مجلس قرار گرفت؟ به نظر می رسد بیش از آنکه مسایل کارشناسی در این زمینه دخالت داشته باشد، مجادله های سیاسی و خطی در آن تأثیرگذار بوده و عده ای از نمایندگان نیز شاید با نیت خیر به آن رأی مثبت داده باشند، اگر مجادلات ماههای اخیر در حوزه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را بررسی کنیم به سر نخ های روشنی از این ماجرا دست می یابیم. اختلافات بین وزیر رفاه و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، موضوع تازه ای نیست و از ابتدای آغاز به کار دولت نهم نیز مطرح بوده است. هنوز به یاد داریم که پرویز کاظمی وزیر وقت رفاه، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی را بر کنار کرد اما مدت کوتاهی گذشت تا خودش هم از رأس وزارت رفاه پایین بیاید. پس از آن نیز هیچگاه وزیران رفاه نتوانسته اند در مقابل مدیران سازمان تأمین اجتماعی اعمال قدرت کنند وحتی صادق محصولی، وزیر رفاه دولت دهم نیز در این زمینه با چالش هایی مواجه شده به طوریکه طی ماههای اخیر که از آغاز به کار دولت سپری می شود هر بار خبرهایی در این زمینه منتشر شده که در نوع خود جالب توجه است به طوریکه غیبت چند روزه محصولی در وزارت رفاه مورد توجه رسانه ها قرار گرفت و آن را نشاندهنده عمق گرفتن اختلافها دانستند، اما در نهایت اعلام شد که وزیر به دلیل بیماری در محل کار خود حاضر نشده است. بدین ترتیب مدیران سازمان تأمین اجتماعی هیچگاه خود را موظف به پاسخگویی به وزیر رفاه نمی دانستند و مجلس نیز که وظیفه نظارتی را نیز به عنوان مکمل وظیفه قانونگذاری خود بر عهده دارد، توانایی نظارت بر عملکرد سازمان تأمین اجتماعی را نداشت. بدین ترتیب ماده ۱۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری در دستور کار نمایندگان قرار گرفت و گویا الحاقات آن دامان نفت را نیز گرفته است. مرور این سابقه نشان می دهد که آنچه در تصویب فوریت این طرح تأثیر گذار بوده نه صرفاً نظرات کارشناسی، بلکه اختلافات موجود در این حوزه بوده است. طبیعی است که طرحی که برای رفع این اختلافات تصویب شود هیچگاه منافع نفت را در نظر نمی گیرد و بنابراین چندان جای تعجب ندارد که الحاق صندوق بازنشستگی نفت به سازمان تأمین اجتماعی، موجی از نگرانی را در بین هزاران نفر از بازنشستگان صنعت نفت و شاغلان این صنعت به عنوان بازنشستگان آتی، ایجاد کرده است.از سوی دیگر، در شرایطی که سند توسعه کشور، بر کوچک سازی دولت تاکید دارد افزایش حیطه فعالیت سازمان تأمین اجتماعی محلی از اعراب نخواهد داشت، هرچند که عده ای صندوقهای بازنشستگی را جزو بخش خصوصی قلمداد می کنند اما واقعیت آن است که سازمان تأمین اجتماعی و حوزه های مشابه آن در زمره بخشهای زیر مجموعه دولت مورد ارزیابی قرار می گیرند. به هر حال از هر زاویه ای به این طرح بنگریم، به غالب بودن نظرات شخصی و گروهی به نظرات کارشناسی پی می بریم و در می یابیم که حاصل این طرح، کاهش احساس آرامش و امنیت در بین کارکنان صنعت نفت است که پیامدهای منفی فراوانی در این حوزه خواهد داشت. پیامدهایی منفی که نه فقط در نفت بلکه در کل اقتصاد به ظاهر غیر نفتی و در عمل متکی بر نفت کشورمان تأثیرگذار خواهد بود.

به هر تقدیر در برهه کنونی نقش وزیر نفت و نحوه تعامل وی با دولت و مجلس بسیار کلیدی و راهگشا خواهد بود. بدون شک برون رفت از چالش کنونی و تدبیر موثر در این قضیه آرامش دوباره را بر نفت حاکم خواهد کرد.

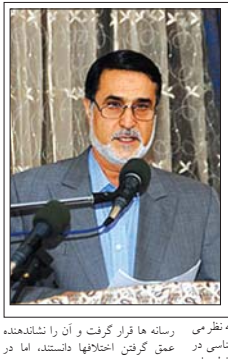

علی محمدی:

امیدواریم استقلال صندوق بازنشستگی نفت حفظ شود

دانش‌نفت: رییس صندوق های بازنشستگی ، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در نشست مشترک رییس هیأت رییسه صندوق و مدیر عامل منطقه ویژه اقتصادی - انرژی پارس و مدیران و کارشناسان در عسلویه ضرورت حفظ استقلال صندوق بازنشستگی نفت را مورد تاکید قرار داد و گفت : نظر رییس هیأت رییسه صندوق در زمینه حفظ استقلال این مجموعه مثبت است و بارها یادآور شده اند دخالت در امور صندوق جایز نیست .

محمدی افزود: حدود ۶۰ هزار بازنشسته و بازمانده به اتفاق خانواده هایشان زیر پوشش خدمات مطلوب و گسترده درمانی ، رفاهی ، فرهنگی و ورزشی قرار دارند و ضمن ابراز رضایتمندی از عملکرد صندوق بر تداوم استقلال این مجموعه تاکید می کنند و امیدوارند صندوق بازنشستگی نفت با بیش از ۶ دهه سابقه همواره استقلال خود را حفظ کند .وی یادآور شد یک فتوا از حضرت امام (ره) وجود دارد مبنی بر اینکه بدون اذن صاحبان اموال صندوق هیچ کسی حق دخالت در امور آن را ندارد . فتوای دیگری هم از آیت ا... مکارم شیرازی بیان شده است که عین فرمایش حضرت امام (ره)است .رییس صندوق ها دارایی صندوق بازنشستگی نفت را «امانت» دانست و تصریح کرد در بند «م» ماده ۳۵ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران ذکر شده هیأت مدیره شرکت ملی نفت ، امنای صندوق هستند . به این معنا که از یک امانت یعنی سرمایه و دارایی صندوق حفاظت و صیانت می کنند .وی گفت : دارایی صندوق حتی فراتر از بیت المال یعنی حق الناس است و از حقوق یک یک کارکنان صنعت نفت کسر و ذخیره شده و تنها به این قشر تعلق دارد و پس از سال ها تلاش و خدمت آینده آنان و خانواده هایشان را تضمین می کند . محمدی در ادامه عملکرد شرکت سرمایه گذاری صندوق را مثبت ارزیابی کرد و گفت : شرکت سرمایه گذاری عملکرد مطلوب و کارنامه ی موفقی دارد و با تلاش و کوشش بی وقفه در پی ایجاد تعادل اقتصادی و گردش مالی درخور توجه و حمایت مالی و افزایش سرمایه ها و نقدینگی صندوق است .

پشتیبان توسعه صنعت نفت در جیب وزارت رفاه:

پایان دوستی ۵۱ ساله صنعت نفت با صندوق!؟

رضا وثوقی

دانش نفت: موضوع واگذاری مدیریت صندوق های بازنشستگی صنعت نفت بدون تردید پرحاشیه ترین خبر هفته های اخیر در حوزه این صنعت حساس و استراتژیک محسوب می شود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان اصلاح ماده ۱۱۳ قانون مدیریت بر خدمات کشوری، مفاد طرحی را تصویب کردند که هیات امنای ۹ نفره سازمان تامین اجتماعی از این پس در حکم هیات امنای تمامی صندوق های بازنشستگی کشوری خواهند بود. اگرچه در کشورمان تعداد صندوق های بازنشستگی کم نیستند، اما آنچه که مسلم است به دلیل اهمیت و تاثیر مجموعه صندوق های بازنشستگی، رفاه و پس انداز کارکنان صنعت نفت بر اقتصاد نفتی در حال توسعه ایران، اولین موج مخالفت ها درباره تصویب چنین قانونی نخست از سوی کارشناسان و نخبگان صنعت نفت و سپس از سوی هزاران بازنشسته و درواقع سهامداران این صندوق ها برخاست. اگرچه هنوز شورای نگهبان قانون اساسی در مورد این مصوبه اخیر مجلس نظری ارائه نکرده است و به اعتقاد برخی حقوقدانان و نیز با استناد به برخی فتاوای شرعی درماهیت چنین تصمیمی اصولاً تشکیک وجود دارد، اما این مصوبه بار دیگر فرصتی دست داد تا به آسیب شناسی چنین تصمیمی بپردازیم. البته ۱۲ ماه قبل نیز شورای عالی اداری در فروردین ۸۸ مشابه چنین مصوبه ای را تصویب و به ادغام همه صندوق های بازنشستگی رای داده بود، اما چون مصوبه مذکور، حکمی در درون خانواده دولت بود، بلافاصله با رایزنی وزیر وقت نفت، غلامحسین نوذری با رییس جمهور در جریان سفر به اجلاسی در سوئیس موضوع حل و فصل شد و صندوق های بازنشستگی نفت در خانواده نفت ماند.صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت، بر اساس مقررات بازنشستگی و مقررات دیگر در شکل و قالبی متفاوت با امروز در خردادماه سال ۱۳۳۷، تاسیس شد، موجودیت این صندوق ها دراساسنامه مصوب اردیبهشت ۱۳۳۹ شرکت ملی نفت به رسمیت شناخته شد. در اصلاحیه اساسنامه شرکت ملی نفت در سال ۵۶ که تاکنون تنها مرجع قانونی فعالیت های شرکت ملی نفت است بندی مهم و سرنوشت ساز، ماهیت این صندوق را پاسداری می کند. بر اساس بند م ماده ۳۵ اساسنامه مذکور، دارایی های صندوق بازنشستگی نفت جزو وجوه(و مایملک) شرکت ملی نفت محسوب نمی شوند و با عنایت به اینکه اعضا و سهامداران صندوق را کارکنان صنعت نفت تشکیل می دهند بنابراین دارایی های آن نیز متعلق به اعضاست. به همین سیاق هیات مدیره شرکت نفت همواره نقش هیات امنای این صندوق را ایفا کرده و بر اساس سخنان صریح برخی از اعضای هیات مدیره نفت و مسئولان سابق صندوق ها، این هیات امنا درواقع امین و امانت دار سهامداران در مدیریت و بهینه سازی دارایی سهامداران محسوب می شوند. درواقع نخستین ومهمترین ایرادی که به مصوبه اخیر مجلس و مفاد و قانون مدیریت خدمات کشوری وارد است این است که آیا دولت(وزارت رفاه) حق تصمیم گیری و مدیریت بر مایملک و سهام آزاد و غیر دولتی هزاران بازنشسته و کارمند را دارد؟ این درست است که بازنشسته های نفت زمانی حقوق بگیر دولت بوده اند اما سهام آنها در صندوق ها، حقوق شخصی و قانونی آنهاست که تنها با خواست و اراده جمعی همه آن سهامداران می توان چگونگی مدیریت وعملکرد آنرا تعیین کرد. آنچه که مسلم است بر اساس اصول شرعیه اسلام و با استناد به اصول فقهی با عنایت به احترام دین اسلام به حریم مالکیت شخصی افراد امکان دخالت در اموال حلال نفوس مسلمین تحت هیچ شرایطی مجاز نیست، حتی بنا به گفته رئیس فعلی صندوق بازنشستگی نفت فتوای صریحی از حضرت امام(ره) تاکید دارد:«بدون اذن صاحبان اموال صندوق هیچ کسی حق دخالت در امور آن را ندارد.» و گفته می شود فتاوای مشابهی نیز از سوی شما ری از مراجع و آیات عظام وجود دارد که جملگی حرمت دخالت در اموال صاحبان سهام را مورد تاکید قرار داده اند. چالش دیگری که واگذاری صندوق های بازنشستگی پس انداز و رفاه صنعت نفت به وزارت رفاه با آن روبروست، نقش و وزن تاثیرگذار این صندوق ها بر روند توسعه صنعت استراتژیک نفت است. اولاً تجربه سالهای گذشته ثابت کرده است دولت هرگز نتوانسته است بنگاه دار خوبی باشد و صندوق های بازنشستگی کاملاً دولتی نظیر صندوق های تامین اجتماعی و بازنشستگی کشوری، ضعف مدیریت اقتصادی دولت بر بنگاه هایی دارای فرصت سودآوری برای سهامدارانشان را به اثبات رسانده است، اگر صندوق های صنعت نفت طی سالهای اخیر به کل سرسبد بنگاه های سوده اقتصادی کشور بدل شده است، ناشی از نبود رویکرد دولتی و سهامدار محور بودن تصمیم های اتخاذ شده در آن بوده است. امروزه صندوق های صنعت نفت یکی از پربازده ترین پرتفوی های بازار سرمایه ایران و سبدی از کارآمدترین سهام بازار بورس تهران را در اختیار دارد، نگاهی به فهرست شرکت های زیر مجموعه این صندوق ها می تواند خود گویای وزن و تاثیر شگرف این صندوق ها بر توسعه پایدار و پرشتاب صنعت استراتژیک نفت باشد. شرکت هایی نظیر اوپک، مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی، پتروشیمی زاگرس، فراسکوی عسلویه و صباشهر پارس که به اعتراف اهل فن، ستون های توسعه پارس جنوبی محسوب می شوند، به برکت توان اقتصادی و مدیریت سهامدار محور صندوق های صنعت نفت پاگرفته و رشد کرده اند.تامین مالی برخی فازهای پارس جنوبی هم اکنون در صدر فهرست سرمایه گذاری آتی صندوق های نفت است، حال در چنین شرایطی قرار است مدیریت و تصمیم گیری این صندوق ها به هیات امنایی واگذار شود که به دلیل عدم حضور در ترکیب خانواده صنعت نفت، قطعاً هیچ حساسیت یا تعصبی بر روی توسعه صنعت نفت ندارند و ممکن است سرمایه گذاری در طرح هایی دیگر و در رشته هایی نظیر تاسیس واحدهای صنعتی کوچک، خود اشتغالی، تولید مواد غذایی و ... را بر سرمایه گذاری در شریان حساس انرژی کشور و در طرح هایی همچون تولید LNG، توسعه پارس جنوبی، تولید محصولات استراتژیک پتروشیمی، ساخت سازه ها و سکوهای دریای نفتی و تولید بنزین ترجیح دهند. با این وصف باید پرسید آیا تصمیم گیری برای واگذاری مدیریت صندوق های نفت به وزارت رفاه گامی در راه کمک به اقتصاد ایران است؟ آیا با شکست طرح هایی که صندوق های نفت تامین مالی آنرا در دست خواهد گرفت رفاه مردم ایران تامین خواهد شد و آرزوی تامین اجتماعی مردم محقق می شود؟

آنچه که مسلم است **با تصویب چنین طرحی علاوه بر اینکه صدها هزار نفر بازنشسته و کارمند صنعت نفت امکان تصمیم گیری بر روی اموال، دارایی ها و سهام خود نخواهند داشت، دست وزارت نفت در تامین مالی بسیاری از طرح های استراتژیک خود بسته خواهد شد.** یادم هست چند سال قبل که موجی از خدمات رسانی به بازنشستگان صنعت نفت از طریق همین صندوق ها ایجاد شده بود، رییس وقت هیات رئیسه صندوق های نفت می گفت: کارکنان امروز صنعت نفت، بازنشسته ها را آیینه ای می دانند که فردای خودشان در آن ترسیم شده است. اگر کارمند امروز، احساس آرامش خاطر و امنیت اقتصادی را در بازنشسته ببیند و باور کند، با انگیزه و اطمینانی مضاعف به کار خواهد پرداخت چرا که از فردای خود بیم ندارد. به همین دلیل عملکرد صندوق های نفت و آشکار بودن سهامدار محوری در تصمیم های متخذه آن می توانست به افزایش بهره‌وری صنعت نفت و شتاب گرفتن حرکت موتور محرک اقتصاد ملی ما بدل شود، این تئوری به راستی واقعیت دارد چرا که امروز می بینیم تحریم های شدید غرب نیز این صنعت را از پا نینداخته است. **حال اگر کارمند و کارگر امروز صنعت نفت در اهواز، در آغاجاری، در مسجد سلیمان، در تهران، شیراز، خارک و گوشه گوشه خاک ایران احساس کند که برای روزگار بازنشستگی اش نمی تواند تصمیم بگیرد و تصمیم ها را باید هیات مدیره ای غیر نفتی و کاملاً دولتی اتخاذ کنند، چه انگیزه ای برای خوب کار کردن و تحمل سختی ها و مرارت ها خواهد داشت؟**

به هر روی و گرچه می دانیم هیچ یک از مسئولان و کارکنان صنعت نفت از وزیر و معاونین وزارتخانه تا بازنشسته های فرهیخته نفت از وجود چنین مصوبه ای دلخوش نیستند، به عنوان نقدی دلسوزانه هشدار می دهیم که واگذاری صندوق های نفت به هر نهادی غیر از سهامداران واقعی آن به سرعت بر صنعت ملی نفت ایران اثر تخریبی خواهد گذاشت.